نگاه

بیشتر کشورهای درگیر با سیاست آمریکا مخالف‌اند

پیرمحمد ملازهی
تحلیلگر مسائل شبه‌قاره

● درباره تحریم ظریف دو مسئله را باید در نظر گرفت. مسئله اول این است که مغایرت این تصمیم با مواضع آمریکایی‌هاست و مخالفتی که اغلب کشورها کم‌وبیش نشان داده‌اند. تیم ترامپ در صحنه بین‌المللی از مذاکره، حتی مذاکره بی‌قیدوشرط سخن می‌گوید. به لحاظ سیاسی و قوانین بین‌الملل، مذاکره با وزیر خارجه به‌عنوان نماینده رسمی سیاست خارجی کشور انجام می‌شود. وقتی وزیر خارجه تحریم می‌شود، معنایش این است که حرف‌هایی که درباره مذاکره از سوی آمریکا مطرح می‌شود، خیلی جدی نیست و اهداف دیگری دارد. بیشتر به نظر می‌رسد هدف ظاهرسازی و فریب افکار عمومی است.

بحث دوم، مسئله واکنش‌ها و مخالفت کشورها با این تصمیم است و تأثیر آن در روابط ایران با کشورهای دیگر. واقعیت این است که در میان کشورهای دیگر در این زمینه، از یک طرف با دو دسته خاص مواجهیم. یک دسته کشورهایی که به هر دلیلی خودشان تمایل دارند که از سیاست‌ها پیروی کنند و یک دسته آنهایی که به دلیل موقعیتشان نمی‌توانند در مقابل تصمیمات آمریکا ایستادگی کنند. نتیجه هر دو موقعیت یکی است. این گروه از نظرات آمریکا تبعیت می‌کنند و این تصمیمات در مناسباتشان با ایران تأثیر منفی خواهد داشت. اما گروه دیگری هستند که از اساس مخالف رویه آمریکا در سیاست خارجه هستند. این تصمیمات روی آنها اثرگذار نیست. آنها مناسباتشان را ادامه خواهند داد و تحریم ظریف تأثیری روی آنها نخواهد گذاشت. این کشورها یا از همسایگان ایران هستند یا از ایران سوخت می‌گیرند. ژاپن، کره جنوبی، چین، هند و کشورهای دیگر در جنوب شرقی آسیا از این دسته‌اند. همچنین کشورهای اروپایی، حتی کشورهای نزدیک به آمریکا مثلا آلمان، خیلی به آمریکا نزدیک است اما نمی‌پذیرد در این زمینه همکاری کند. به‌طور خاص در زمینه پیشنهادهای نظامی آمریکا درباره خلیج فارس آلمان رسما اعلام کرد تمایل نداریم وارد شویم. این رویکردهای آمریکا در میان متحدان خودش هم زیر سؤال است. با نگاه دقیق‌تر می‌بینیم که برخی کشورهای منطقه به‌نوعی تحریم ایران را به نفع خود می‌دانند؛ ازجمله اسرائیل، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین. این کشورها فکر می‌کنند هرچه بیشتر ایران در انزوا باشد، منافع اینها بیشتر تأمین می‌شود. اینها قطعا از تصمیم آمریکا حمایت می‌کنند؛ اما اینها از قبل هم مناسبات خاصی با ایران نداشته‌اند و عملا اتفاق خاصی نیفتاده است. واقعیت این است که رابطه‌ای که اینها از قبل با ما داشته‌اند و رابطه‌ای که دارند، تفاوتی نمی‌کند. رویکرد سابقشان خصمانه بوده است و از این به بعد هم خواهد بود؛ البته از کشور به کشور تفاوت‌هایی وجود دارد.

از این میان، اسرائیل بیشترین سود را از افزایش تنش خواهد برد؛ اما بقیه از ادامه افزایش تنش نفعی نمی‌برند. مثلا امارات کشور کوچکی است که بسیار آسیب‌پذیر است. کافی است موشکی سرگردان وارد دوبی شود. زندگی و توسعه این منطقه به تجارت و نفت مربوط است. حتی عربستان هم سودی نمی‌برد. تنها کشوری که فکر می‌کند هرچه بیشتر تنش بالا برود، برنده نهایی او خواهد بود، اسرائیل است. روسیه که خود فروشنده نفت است هم وقتی بحران پیش بیاید، بازی خودش را می‌کند و از فرصت فروش نفت سودش را می‌برد.

گروه دیگر بین همسایگان ایران کشورهایی هستند که نگران‌اند سیاست‌های آمریکا به‌نوعی برخورد نظامی منتهی شود و ابتکار عمل از دست همه خارج شود؛ یعنی شرایطی به وجود آید که بدون اینکه کسی بخواهد، درگیری نظامی پیش بیاید. در چنین شرایطی اینها نگران منافع و امنیت خودشان خواهند بود. اگر درگیری نظامی پیش بیاید، احتمال خیلی زیادی وجود دارد که محدود به دو طرف نباشد و بقیه را درگیر کند؛ به‌ویژه منطقه خاورمیانه را. کشورهای بسیاری یا به‌واسطه خرید سوخت از این منطقه یا به‌واسطه همسایگی، کم‌وبیش ناخواسته درگیر چنین برخوردی خواهند شد. آمریکا در افغانستان، در ۱۰ کیلومتر مرز ایران پایگاه نظامی دارد که البته در معاهده امنیتی پذیرفته از پایگاه‌هایش در افغانستان علیه دیگران استفاده نکند اما تضمینی نیست. اگر جنگ بشود، ممکن است آمریکا افغانستان را درگیر بحرانی بسیار شدیدتر کند. در عراق و ترکیه هم آمریکا نیرو دارد و آنها هم ممکن است درگیر شوند. تلاش عراق برای میانجیگری بی‌دلیل نیست. اگر برخوردی پیش بیاید، دامان آنها را هم خواهد گرفت.

این گروه از کشورها تلاش می‌کنند که نوعی نقش میانجی پیدا کنند یا حداقل از این سیاست‌های آمریکا خودشان را کنار بکشند؛ یعنی اگر نتوانند نقش مثبتی در جهت میانجیگری ایفا کنند، حداقل نقش منفی هم نداشته باشند. اگر این تقسیم‌بندی را بپذیریم، در نوع برخورد هرکدام، منافع و امنیت ملی خودشان در نظر گرفته می‌شود. کشور به کشور رویکردها فرق می‌کند و افکار متفاوتی در کشورهای مختلف هست اما در مجموع به نظر می‌رسد اکثر دنیا این سیاست‌های آمریکا را رد می‌کنند. به‌هرحال رفتار ترامپ برای همه غیرقابل‌پیش‌بینی است؛ او امروز یک تصمیم می‌گیرد و فردا یک تصمیم دیگر.

politics@sharghdaily.ir

کوروش احمدی، دیپلمات سابق ایرانی در مقر سازمان ملل در نیویورک، تبیین کرد

نقطه جوش تحریم‌های سیاسی آمریکا

زینب اسماعیلی: کارزار تحریم آمریکا سرانجام نماینده اصلی ایران در صحنه دیپلماسی بین‌المللی را هم هدف گرفت. تحریم محمدجواد ظریف که اواخر هفته گذشته ازسوی آمریکا اعلام شد، از مدت‌ها پیش به عنوان گزینه‌ای در دست بررسی مطرح شده بود و محدودیت‌هایی را که برای عبورومرور وزیر خارجه در نیویورک اعلام شده بود، می‌توان پیش‌نمایش این اقدام دانست. کوروش احمدی، کارشناس حقوق و روابط بین‌الملل، چندین دوره از اعضای دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل در نیویورک بوده است. او اخیرا کتابی هم به نام «خلیج‌فارس» نوشته و در آن به بررسی سابقه تاریخی خلیج‌فارس پرداخته است. او به «شرق» می‌گوید با این اقدامات، آمریکا به اوج برنامه‌هایش برای تحریم ایران رسیده است. از نگاه او که می‌گوید چنین تحریمی بی‌سابقه است، باید منتظر بود و دید اجرای این تحریم در عمل چگونه خواهد بود و البته باید دید طرف‌های دیگر چه تلقی‌ای از این تحریم خواهند داشت؛ اما به هر حال این اقدام در تعارض محض با درخواست‌های او برای مذاکره با ایران است.

عکس: رئوفه رستمی

اگرچه با تأخیر نسبت به موعد اعلامی پیشین، اما بالاخره جواد ظریف ازسوی ایالات متحده تحریم شد. به نظر شما علت این فاصله و سر آخر اعلام تحریم چه بود؟

خبر اولیه درباره تصمیم دولت ترامپ به تحریم دکتر ظریف در ۲۴ ژوئن و هم‌زمان با صدور یک فرمان اجرائی ترامپ درباره تحریم بیت رهبری مطرح شد. حدود یک هفته قبل از آن، نخست‌وزیر ژاپن در قالب تلاشی برای ایجاد نوعی تفاهم بین ایران و آمریکا سفری به تهران داشت. چند روز بعد نیز گفته شد که رئیس‌جمهور فرانسه تلاش‌هایی را برای کمک به تهران و واشنگتن برای تعدیل مخاصمات شروع کرده و متعاقب آن امانوئل بن، مشاور دیپلماتیک مکرون، سفری به تهران داشت و همچنین تماس‌های تلفنی متعددی بین رؤسای‌جمهور ایران و فرانسه صورت گرفت. برداشت من این است که فرمان اجرائی مورد اشاره به نحوی تنظیم شده بود تا دست آمریکا برای تحریم هر یک از مقامات جمهوری اسلامی ایران باز باشد و در همین قالب از تحریم دکتر ظریف نیز سخن رفت. با این حال و با نظر به تلاش‌های دیپلماتیکی که به آنها اشاره کردم، تصور می‌کنم آمریکا تحریم دکتر ظریف را به تأخیر انداخت تا نتیجه این تلاش‌ها مشخص شود. می‌توان احتمال داد که این تلاش‌ها به جایی نرسیده و ترامپ از اینکه ایران پیشنهادش برای مذاکره را بپذیرد، ناامید شده است. از طرفی، شاید موافقت آمریکا با ادامه تعلیق تحریم‌ها در مورد پروژه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران که روز چهارشنبه اعلام شد، نیز در این قضیه بی‌تأثیر نبوده باشد. واشنگتن‌پست در شماره سه‌شنبه‌اش از اختلاف شدید در این زمینه بین تیم امنیتی ترامپ خبر داده و تصریح کرده بود که عناصر تندرو کاخ سفید مخالف تمدید تعلیق بوده‌اند. بعید نیست که ترامپ خواسته با تسریع در تحریم دکتر ظریف، امتیازی به طیف تندرو در تیم امنیتی‌اش داده باشد.

شما دو دوره به عنوان دیپلمات در نیویورک کار کرده‌اید، به یاد دارید آمریکا در مورد دیپلمات دیگری دست به چنین اقدامی بزند؟

فکر می‌کنم تحریم یک وزیر خارجه و یک دیپلمات به این شکل بی‌سابقه باشد. در مواردی آمریکا از دادن ویزا به برخی از دیپلمات‌های ارشد ایرانی و برخی از دیگر کشورها خودداری کرده است. اما تحریم اقتصادی و تجاری یک دیپلمات و تحریم معاملات مربوط به او صرفا به‌دلیل انجام وظایف دیپلماتیکش و تعمیم فراملی این تحریم قطعا بی‌سابقه است.

تحریم ظریف شامل چه محدودیت‌هایی برای او می‌شود؛ فقط محدودیت سفر به نیویورک و مقر سازمان ملل یا کشورهای دیگر؟

این تحریم ازسوی اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) و در چارچوب فرمان اجرائی ترامپ (E.O. 13876) و به این عنوان که ایشان مجری فرامین رهبری است و با نیروی قدس هماهنگ است، صورت گرفته است. این تحریم دو بخش اولیه و ثانویه دارد؛ در بخش اولیه شخص تحت تحریم از هر گونه فعالیت اقتصادی و تجاری در آمریکا یا با اشخاص آمریکایی یا از طریق نهادهای آمریکایی منع می‌شود. در وجه ثانویه تحریم، اشخاصی که اقدام به برخی معاملات با شخص تحت تحریم کنند، خود نیز ممکن است تحت تحریم قرار گیرند و همین‌طور هر نهاد مالی خارجی که معامله قابل‌ملاحظه‌ای را برای شخص تحت تحریم تسهیل کند، ممکن است تحریم شود. باید دید که آمریکا در عمل این تحریم را چگونه اجرا خواهد کرد و طرف‌های غیرآمریکایی نیز چه تلقی‌ای از این تحریم خواهند داشت؛ مثلا آیا برخی هتل‌ها، شرکت‌های هواپیمایی، تأمین‌کنندگان سوخت هواپیما و مانند آن چگونه برخورد خواهند کرد. ابهام دیگری که وجود دارد درباره صدور ویزا به‌منظور شرکت ایشان در نشست‌های سازمان ملل است. مقامات آمریکایی بدون ذکر نام سخنان ضدونقیضی در این مورد گفته‌اند و نهایتا یکی از آنها گفته که درخواست برای ویزا را موردبه‌مورد بررسی خواهند کرد و تصمیم خواهند گرفت. درحالی‌که قرارگرفتن روی فهرست SDN عملا با عدم صدور ویزای آمریکا نیز همراه است، در این مورد خاص مسئله این است که آمریکا مطابق موافقت‌نامه مقر سازمان ملل، به عنوان دولت میزبان ملزم به صدور ویزا برای مقامات کشورهای عضو سازمان «قطع نظر از روابط دوجانبه» است. با این حال، سوابق نشان می‌دهد که به برخی از مقامات مربوطه ایرانی هیچ‌گاه برای شرکت در نشست‌های سازمان ملل ویزا داده نشده است. نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد؛ مثلا در سال ۱۹۸۸، امتناع آمریکا از صدور ویزا برای یاسر عرفات که قصد سخنرانی در سازمان ملل را داشت، موجب صدور یک بیانیه اعتراضی ازسوی مجمع عمومی سازمان ملل و تشکیل نشست مجمع در ژنو برای شنیدن سخنرانی عرافات شد.

بالاخره این تحریم می‌تواند در دیپلماسی ایران و کشورهای دیگر محدودیت ایجاد کند؟ مثلا وزیر خارجه کشور دیگری با محدودیت‌هایی برای ملاقات با ظریف مواجه شود؟

قطعا وزرای خارجه و مقامات دیگر کشورها محدودیتی برای ملاقات با دکتر ظریف و سفر به ایران نخواهند داشت. مصاحبه‌های مطبوعاتی و تماس‌های ایشان با افکار عمومی از کانال‌های مختلف نیز می‌تواند ادامه یابد. در همین یکی، دو روزه شماری از رسانه‌های آمریکایی خواستار مصاحبه با دکتر ظریف شده‌اند و مصاحبه‌ها می‌توانند به طرق مختلف روی اینترنت یا با استفاده از امکانات صداوسیما انجام شود. ضمن اینکه امکان سفر نمایندگان رسانه‌ها به ایران همچنان وجود دارد. فقط باید دید که آیا از رهگذر این تحریم برخی محدودیت‌های لجستیک برای سفر ایشان به برخی کشورها در عمل پیش خواهد آمد یا خیر.

به نظر می‌رسد دولت ترامپ با این تصمیم تمام درهای دیپلماسی را بست، آینده ماجرا را چگونه می‌بینید؟

باوجود اینکه دولت ترامپ ادعای متفاوتی مطرح می‌کند، اما بی‌شک این اقدام دولت ترامپ در تعارض محض با درخواست‌های او برای مذاکره با ایران است. این اقدام همچنین نشان داد که پیشنهاد مذاکره عمدتا ترفندی برای فریب افکار عمومی بوده و اصالت نداشته است. از طرفی، اگر تلاش‌های مکرون به نتیجه‌ای نرسیده باشد، محتمل است که برای مدتی تلاش‌های دیپلماتیک دچار وقفه شود و در این فاصله ایران به برداشتن گام‌های بیشتر برای کاهش تعهدات برجامی‌اش ادامه دهد. از طرفی واقعیت این است که آمریکا دیگر گزینه‌ای برای تحریم اقتصادی ندارد و محتمل است که همچنان به تحریم‌های سیاسی ادامه دهد که در این صورت نیز به نظر می‌رسد با تحریم بیت رهبری و تحریم دکتر ظریف اوج این نوع از تحریم‌ها را هم باید سپری‌شده دانست. با وجود این تحولات ناخوشایند، به گمان من در تحلیل نهایی راهی جز تلاش برای حل سیاسی مسئله وجود ندارد.

ترامپ به دنبال برهم‌زدن ترکیب میز مذاکره

سیدعلی موجانی
مولف کتاب بررسی مناسبات ایران و امریکا

رویداد تحریم وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، کنشگری که با قریب به چهار دهه تکاپو برای حفظ صلح از کانال دیپلماسی کارنامه موفقی را از خود به یادگار نهاده، بی‌تردید در نگاه نخست اقدامی است غیرمعمول، بغض‌آلود، خصمانه و خلاف حقوق بین‌الملل؛ اما از سوی سیاست خارجی دولت کنونی ایالات متحده برای ما قابل‌پیش‌بینی بود. ظریف به همان دلیل از سوی ایالات متحده تحریم شده است که منتقدانی در داخل او را به کم‌توجهی به این متهم کرده بودند: «اجرای منویات مقام معظم رهبری».

جک لندن (۱۸۷۶ - ۱۹۱۶) سرمقاله‌نویس و نویسنده شناخته‌شده آمریکایی در یکی از داستان‌های خود که سال‌ها قبل با نام داستان‌های ملل در ایران منتشر شد، جمله‌ای نوشت که گویی پس از یک قرن پژواک آن در کاخ سفید با این اقدام مشترک وزارتخانه‌های خزانه‌داری و خارجه آمریکا طنین‌انداز شده است: «شما اگر جلوی حقیقت را بگیرید، اگر آن را پنهان کنید، اگر نخواهید برخیزید و در میان مردم بی‌پرده سخن بگویید؛ یا اگر هنگام گفتن، همه حقیقت را نگویید، پس شما کمتر از حقیقت هستید».

تحریم ظریف، حجاب بر «راستی» انداختن بود، بی‌آنکه مجریان آن به اندرز جک لندن توجه نشان دهند، یعنی با مردم سخن گویند و همه آنچه آنها را به این جهت کشاند بازگو کنند، پس به قول مؤلف آوای وحش «ناراستی» روا داشتند.

با این مقدمه دو نگرش درباره این رویداد قابل توجه است:

نخستین نگاه آنکه اگر «فصل آزادی» در تاریخ آمریکا به روایت مورخان آن کشور، با انتشار اعلامیه استقلال در ۱۷۷۶ میلادی رقم خورد، نادرست نیست اگر به استناد همان بندی که در اعلامیه می‌گوید «ما این حقایق را بدیهی می‌دانیم که همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و آفریدگارشان حقوق سلب‌ناشدنی معینی به آنها اعطا کرده است که حق زندگی، آزادی، و جست‌وجوی خوشبختی از جمله آنهاست»، بیان شود با سلب حق خوشبختی ملت ایران از طریق اعمال تحریم‌های ظالمانه و تروریسم اقتصادی، این فصل از کتاب تاریخ آمریکا پایان یافته است. مگر این گونه نیست که تدوین‌کنندگان آن سند تاریخی در متن خود کوشیدند «حقایق را به گوش جهانیان منصف» برسانند. بنابراین در طرح شکواییه بلند خود علیه جورج سوم پادشاه بریتانیا این عبارت را گنجاندند که از جمله مظالم بی‌حد او یکی «قطع رابطه تجاری ما با همه جهان» بوده است؟

امروز دولت ایالات متحده بی‌توجه به تاریخ آمریکایی که با این سند متولد شد، به سنت جورج سوم می‌کوشد ظالمانه با دنیا برخورد کند و از نابودی دیگران سخن بگوید. اگرچه تاریخ همین کشور می‌گوید ظلم نماند و استقلال حاصل شد.

نگرش دوم به تصمیم برای تحریم دکتر محمدجواد ظریف بر واقعیت صحنه تکیه دارد. ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده، پس از خبط خروج از برجام بارها آشکارا از تصمیم خود برای گفت‌وگو با تهران سخن به میان آورده است. او برای نیل به این مقصود گاه با خطاب تند ملت ایران را به نابودی تهدید و حاکمیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران را مذمت کرده و زمانی به رشحه قلمش دلبری آموخته و از مقامات ایران دلجویی می‌کند. هفته‌های متمادی نیز هست که با لنگرانداختن در خلیج فارس و آب‌های بین‌المللی پنجه نشان داده و با هدایت نمایندگانش از شرق و غرب پنجره گشوده است. تلون بی‌نتیجه و غوغای بی‌حاصل اما پرهزینه که او پی گرفته است یک هدف دارد: جهاندن اسب سرکش سیاست در کورس ریاست‌جمهوری آمریکا. همین نکته است که بر شتاب و حرص او برای حصول نتیجه و خروج از این وضعیت «ایستادن پشت در» افزوده است. پس باید چه می‌کرد؟

توییت ۲۹ جولای ترامپ دو فاکتور تاریخی مهم را در خود داشت: «ایرانی‌ها تاکنون هیچ‌گاه در جنگی پیروز نشده‌اند، اما هرگز در مذاکره‌ای شکست نخورده‌اند». ابتدا، او پذیرفته است ایرانیان از جنگ نمی‌هراسند و اگر پیروز معرکه همچون چالدران نباشند، شکست‌خورده هم نبودند، شجاعانه جنگیدند و از دل آن مرزها و استقلال کشورشان را حفظ و اساس دولتی بزرگ را در زمانی کوتاه بنیان نهادند.

شاخص مهم دیگر این توییت شکست‌ناپذیری ایرانیان در مسیر مذاکره برای احقاق حق، تثبیت تمامیت ارضی، حفظ حاکمیت و صیانت از مرزهای خود است. امری که با مطالعه مسیر مذاکراتی جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های اخیر تلقی از آن را به باوری عمیق آن‌گونه که ترامپ بیان می‌کند، بدل کرده است.

با این دو نگاه، چه شده است؛ آیا آمریکا در اوج نیاز به بازگشت به دیپلماسی، تصمیم گرفت با تحریم وزیر خارجه ایران و تهدید دیپلمات‌های ارشد طی فرمان اجرائی ۱۳۸۷۶، مسیر مورد نظر خود را مسدود کند؟! به نظر می‌رسد پاسخ الزاما مثبت نیست. بلکه باید این معنا را در همان فراز جمله دوم توییت در نظر گرفت: «هرگز در مذاکره‌ای شکست نخورده‌اند». آمریکا به یقین و از سر استیصال در اندیشه بازگشایی کانال مذاکراتی است اما با تحلیل داده‌هایی چون پاسخ آشکار مقام معظم رهبری به نخست‌وزیر ژاپن به دقت دریافته برای بازگشت به میز باید لااقل «ترکیب میز» را برهم بزند. اینجا قدرت محاجه و منطق متین طرف مذاکراتی مؤثری چون دکتر ظریف فقط رویه ماجراست که سبب شد با تحریم ایشان و تهدید آنچه «دیپلمات‌های ارشد» نامیده‌اند، فضا را غبارآلود کنند. حقیقت ناگفته آن است که آمریکای سرافکنده برای گشودن مسیر مذاکراتی اگر بخواهد در مذاکره تفوق پیدا کند، راهی ندارد جز تلاش برای دوقطبی یا چندقطبی‌کردن افکار عمومی ایرانیان در سطح جامعه، نخبگان و حاکمان. تهدید طرف‌های مذاکراتی آن‌گونه که در فرمان اجرائی مورد اشاره درج شده و بیان یک مقام ناشناس آمریکایی که به رویترز چنین اظهار کرده که به دنبال گفت‌وگو با یک شخص مؤثر در نظام تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران هستیم، نشانه‌ای از تلاش برای گسست در سیاست متمرکز، منسجم و هدایت‌شده فعلی ارکان نظام در مواجهه با مقتضیات این برهه از زمان است.

روزنه

بازخورد تحریم وزیرخارجه و پیامدهای آن

حمید کریم‌نیا
دیپلمات سابق در انگلیس

● آمریکا در ماه‌های اخیر فشار بیش‌ازحدی را برای مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی اعمال کرده و از جنبه جلب افکار عمومی در قالب دیپلماسی عمومی نیز مانورهایی را به انجام رسانده است؛ از جمله اینکه ابتدا رفت‌وآمد وزیر خارجه ایران را در سفر به نیویورک محدود کرد و سپس خواستار عزیمت مایک پمپئو به ایران یا گفت‌وگوی مستقیم او با مردم ایران از طریق رسانه‌های داخلی شد. وقتی این نوع کنش‌ها نتیجه‌بخش نشد، در اقدام بعدی تحریم ظریف اعلام شد.

این کنش تبلیغی- دیپلماتیک دولت ترامپ هیچ‌گونه واکنش مثبتی نداشت. اتحادیه اروپا ضمن اظهار تأسف اعلام کرد که به همکاری خود با ظریف ادامه خواهد داد. دولت چین نیز از آمریکا خواست تا راه‌های مراوده و تماس دیپلماتیک با ایران را باز بگذارد. با این حال، دولت آمریکا این اقدام را گامی دیگر برای فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی دانست و اعلام کرد که این‌گونه فشارها ادامه خواهد یافت؛ اما چرا آمریکا چنین تصمیمات به ظاهر عجیبی اتخاذ می‌کند؟ به اظهار بسیاری کارشناسان عواملی از جمله فشار حداکثری به ایران برای مذاکره با مقامات تصمیم‌گیرنده، چنددستگی در میان مشاوران و مقامات دولت ترامپ در مورد ایران و پرونده برجام و نهایتا تصمیمات ضدونقیض شخص ترامپ در حوزه مسائل مختلف، از جمله در مورد ایران است.

اما خود مقامات دولت ترامپ نظر مضاعفی درباره تصمیم اخیر وزارت دارایی آمریکا دارند: آنها معتقدند که اهرم فشار حداکثری اقتصادی و تحریم‌های اعمال‌شده فراگیر بهترین راه برای کنارآمدن و مصالحه با ایران خواهد بود. تحریم ظریف نیز در همین راستا است. از نظر مقامات آمریکایی این نوعی فشار مضاعف خواهد بود تا مقامات تصمیم‌گیر راضی به مذاکره شوند. روزنامه واشنگتن‌پست ضمن درج این خبر از قول یک مقامی که نخواست نام برده شود آورده است که ظریف چون خود یک تصمیم‌گیر نیست، از این جهت باعث خواهد شد تا در صورت اقدام مذاکره با مقامات بالاتر انجام پذیرد. علاوه بر آن او اعتقاد دارد که رئیس‌جمهوری ایران اگر قرار باشد فردی را برای مذاکره در نظر بگیرد، آن فرد، ظریف نخواهد بود! عامل دیگری که به خاطرش آمریکایی‌ها ظریف را تحریم کرده‌اند، ناخشنودی آنها از او به دلیل تسلط و تجربه کافی‌اش در فن مذاکره است، زیرا در صورت مذاکره با او به نتیجه لازم نخواهند رسید. ظریف به‌نوشته واشنگتن‌پست در سفر اخیر خود به نیویورک با سناتور رند پال ملاقات داشته و پس از این ملاقات بود که تصمیم به تحریم او گرفته شد.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که آمریکا شخص ظریف را تحریم کرده و احتمالا اگر فرد دیگری در آینده جانشین او شود این تحریم بنا به مصلحت و تشخیص می‌تواند قابل بازبینی باشد. اکنون واکنش بین‌المللی در حد عدم استقبال از این تصمیم دولت ترامپ بوده و به نظر نمی‌رسد که این تحریم‌ها در روند جاری بحران روابط آنچنان تأثیری نه از جنبه مثبت و نه از جنبه منفی داشته باشد. آنچه هست پیغام‌هایی است که ممکن است از طریق واسطه‌ها صورت گرفته و در آینده نیز ادامه داشته باشد.

آگهی مفقودی سند مالکیت

نظر به اینکه آقای اصغر نعمتی اصالتا با ارائه برگ های استشهادیه محلی به شماره ۱۷۱۸۹ و ۱۷۱۸۹ مورخه ۹۸/۳/۱۹ و ۹۸/۳/۱۹ که توسط دفتر اسناد رسمی شماره ۱۲۲۲ تهران گواهی شده مدعی مفقود شدن اصل سند مالکیت گردیده لذا مراتب به شرح ذیل آگهی می گردد: ۱- نام و نام خانوادگی مالک : آقای اصغر نعمتی۲- شماره پلاک و بخش و محل وقوع ملک ۶۷ فرعی از ۳۸۰۳-اصلی واقع در بخش هفت ثبتی تهران ۳- خلاصه ادعای از بین رفتن یا گم شدن سند مالکیت : جابجایی ۴- معاملاتی که به حکایت سوابق ثبتی و اظهار مالک مستند به سند رسمی ششدانگ یکدستگاه آپارتمان واقع در طبقه اول سمت میانی شمالغربی به مساحت ۸۴/۰۵ متر مربع که مقدار ۵/۷۵ متر مربع آن به صورت بالکن است قطعه ۶۶ تفکیکی به پلاک ۶۷ فرعی از ۳۸۰۳ -اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک یک فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش هفت تهران به انضمام ششدانگ یکباب انباری به مساحت ۳ متر مربع شماره ۶۷ تفکیکی واقع در زیرزمین ذیل شماره ۳۳۰۰۲۲ صفحه ۱۴۳ دفتر املاک جلد ۲۰۰۰ به نام شرکت تعاونی نیروهای مقاومت بسیج ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۴۱۶۲۵۷ صادر و تسلیم شده است و طبق سند شماره ۳۳۹۰۵ مورخه ۸۱/۱۲/۷ تنظیمی دفتر اسناد رسمی شماره ۳۷۴ تهران به آقای اصغر نعمتی منتقل گردیده است . ۵- متذکر می گردد هرشخصی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای کرده که در قسمت چهار ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید ظرف مدت ده روز از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم می نماید.

م الف ۱۴۰۲۰ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه پیروزی

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای اصغر کاشف زرع لیالستانی فرزند فریدون مالک ششدانگ یکدستگاه آپارتمان قطعه سوم بمساحت ۸۲/۷۰ متر مربع در جنوب شرق طبقه اول که ۴/۷۵ متر مربع آن بالکن است به شماره ۴۰۳۲۸۵ فرعی از ۲۳۹۵ اصلی مفروز از ۳۸۴۸۷و۳۹۳۹۹و۳۸۲۳۱و۳۵۶۹۲ و غیره فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ده تهران بانضمام انباری قطعه سوم در شمالغرب زیرزمین بمساحت ۳/۱۰ متر مربع و پارکینگ قطعه سوم در سمت شمال محوطه مشاعی در زیرزمین بمساحت ۱۱ متر مربع در صفحه ۲۸۹و۲۸۶ دفتر ۶۷ ذیل ثبت ۱۱۲۴۱و ۱۱۲۴۲ به نام غضنفر کرم بخش و ابراهیم دهستانی اسفند ابادی ثبت و سند به چاپی ۰۴۰۴۵۹۰و۰۴۰۴۵۹۱ صادر گردید سپس مع الواسطه بموجب سند قطعی ۳۸۴۱ مورخ ۹۱/۱۱/۳۰ دفترخانه ۱۴۱۵ تهران به آقای اصغر کاشف زرع انتقال یافته است و بموجب سند رهنی شماره ۳۸۴۲ مورخ ۹۱/۱۱/۳۰ دفترخانه ۱۴۱۵ تهران در رهن بانک مسکن میباشد.

اکنون اعلام نموده است که سند مالکیت پلاک مورد تقاضا بعلت جابجایی مفقود گردیده است و مراتب به موجب شماره ۷۵۴۸۲ مورخ ۹۸/۳/۲۲ دفترخانه ۲۷۸ تهران به شهادت شهود رسیده است .لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق میباشد و یا سند مالکیت نزد وی میباشد از تاریخ انتشار آگهی بمدت ۱۰ روز اعتراض خود را کتبا ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این منطقه تسلیم و رسید اخذ نماید در صورت عدم ارائه اعتراض یا اصل سند مالکیت یا سند خریداری اقدام جهت صدور سند المثنی وفق مقررات انجام خواهد شد .ضمنا بازداشت ندارد.

م الف ۱۴۰۱۷ رئیس ثبت اسناد و املاک شهرآرا